



## "ریشه های خرافات در اسلام"

سوداگران دین بر این باورند که ارکان دین اسلام عبارتند از:

**\* تازینامه \* سنت \* اجتهاد \* عقل .**

آنچه که آشکار است اینکه خرافات موجود باید از همین ارکان دین سرچشمه گرفته باشد و ما در اینجا به نقش هر یک از ارکان دین در گسترش خرافات بین ایرانیان و در اسلام می پردازیم :

### **الف : نقش تازینامه ( قرآن ) در گسترش خرافات**

در پاسخ به سوالات بشر، توجیحات قرآن با سایر روشهای بررسی و بازگشائی مجهولات کاملاً متفاوت است . مدعیان اسلام محمدی که از آنها تحت عنوان کلی الهیون ( حیوانات ) یاد می شود ، سعی می کنند با استفاده از جنبه منفی یافته های خود به تو جیح مجهولات پردازند .

بعبات دیگر هنگامیکه برای یافتن یک پاسخ درست در مانده می شوند پای الله را به میان می کشند و آنرا به روش تازینامه فیصله می دهند. بر پایه این روش هر گاه طلبه

های دینی دلیل موجودیت چیزی را نفهمند و یا نتوانند علت علمی پدیده ای را درک کنند ، در یک کلمه میگویند " **الله و اعلم** " و با حواله دادن پاسخ همه پرسشها به الله خود را از معرکه خلاص می کنند و به هر اندازه که مجهولاتشان در شناخت علل طبیعی بیشتر می گردد ، آنها نیز به همان نسبت با هم متحدتر می شوند و همگی روی یک پاسخ واحد که دست کسی هم به آن نمی رسد تکیه می کنند .  
برای مثال ، اگر از آنها بپرسید :

بالاخره آسمان چند طبقه دارد ؟ همگی خواهند گفت " **الله و اعلم** " !!  
اینجاست که اتحاد ندانم کاریهای خود را وجه مشترک موحدین می نامند .  
**پس موحد کسی است که اگر مجهولی را نداند ، به دنبال یافتن پاسخ آن هم نخواهد رفت چون رازی در آن نهفته است که فقط الله می داند.**

در نتیجه اگر با پاسخ " **الله و اعلم** " راضی شدی ، تو را در ردیف کلی الحیون قرار داده و دنبال بهره برداری از تو خواهند بود ولی چنانکه نپذیرفتی و دنبال یافتن پاسخی منطقی به کندو کاو پرداختی و با رسیدن به واقعیت ها در مقابل خرافات دین فروشان ایستادی ، آنجاست است که با دستورات قران روبرو خواهی شد و باید مجازات شوی .

لطفا به تعدادی از سوره های خرافه پرداز تازینامه توجه کنید !

### \* سوره مایده آیه 33

**همانا مجازات کسانی که با الله و رسولش بجنگند و در زمین فساد کنند آن است که دستها و پاهای مخالف آنها قطع شود ، به دار آویخته شوند ، و کشته شوند.**

براستی بشریت تا کی می خواهد بنشیند و این دستورات وحشیانه و من درآوردی مدعیان اسلام و سایر مذهب فروشان ادیان سامی را تحمل کند ؟ آیا هنگام آن نرسیده که با این دین فروشان خونخوار در بین همه ادیان و در سرتا سر جهان یک مبارزه جدی صورت بگیرد ؟

## آخر چگونه می شود با الله تازی که در دسترس کسی نمی باشد جنگید؟

کدام قاضی می تواند تشخیص دهد که فرد متهم و محکوم به قطع دست و در نهایت محکوم به مرگ ، قبلا با الله جنگیده است؟

گیریم افرادی که اغلب هم فامیلهای محمد ابن عبدالله بوده اند با او جنگیدند و محمدهم به دست علی یا عمر آنها را هلاک کرده باشد. امروز که محمدی در کار نیست و الله نیز در میدان جنگ وجود ندارد. آیا پیروی از این آیه در دنیای امروزی و ریختن خون مردم بیگناه بمعنای جنون و عقب ماندگی اجتماعی و ذهنی نیست؟

### \*سوره الفیل\*

و فرستادیم کلاغهای سیاه را- تا سنگهای سچیل بر سر دشمنان اسلام بریزند ..

بارها شنیده اید که می گویند در سال عام الفیل تعداد پرنده بدستور الله آمدند و از آسمان بر سر دشمنان اسلام سنگ پرتاب کردند. وقوع چنین حادثه ای بجز در تازینامه ، در هیچ کتاب دیگری ثبت نشده . ولی عده ای از ایرانیان مسخ شده و فرهنگ باخته که انگار در جنگ عام الفیل حضور داشته اند ، بدون شک و تردید ، سالهای سال است که این خرافات را پذیرفته و تنها همین مانده که روزی کلاغهای شهر تهران بدستود خامنه ای سنگهای اسلامی روی سر ملت ایران بریزند تا این خود باختگان و خرافه پرستان نیز باجان و دل ، الله و اکبر، خامنه ای رهبر بگویند.

هنگامیکه حوزه علمیه لندن و قم تصمیم می گیرند تولد محمد را یک واقعه مهم جلوه دهند ، می گویند هنگام تولد پیامبر اسلام ماه دو نیم شد.!!! چنانکه ماه در روز تولد محمد تازی فقط دو نیم شده باشد، مسلماً میبایستی روز تولد خمینی و خامنه ای بطور کلی منفجر و منهدم شده باشد، چرا که سردمداران نا جمهوری انیران اسلامی هزاران بار خونخوارتر از تازیان بدو اسلام هستند که با حمله به ایران متمدن هزاران انسان بی گناه را از دم شمشیر گذراندند.

## \*سوره 53 آیه 26 "

و بسیاری از فرشته ها در آسمانها مشغول شفاعت برای بندگان گناهکار هستند، ولی شفاعت آنها نیز کفایت نمی کند ...

بدبختی اینجاست که اگر الله عصبانی شود، وجود این فرشته ها نیز فایده ای ندارد و هر آنچه را که تافته اند باید روی هیزم جهنم بریزند!  
حتما می پرسید اگر فرشته ها هم نتوانند شفاعت کنند، پس تکلیف مسلمانها چه می شود؟ در این مورد خود الله پاسخ شما را بخوبی داده است، لطفا بخوانید .

" لا یسئل عما یفعل و هم یسئلون "

نسبت به فعل الله سؤال نکنید، فقط اطاعت کنید.

و در جای دیگر میگوید

" اطیعوا لله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم "

تا می توانید از الله ( سلمان پارسی ) و رسولش ( محمد تازی ) اطاعت کنید

دکان داران دین می دانند که محمد و دار و دسته اش مرده اند و دیگر وجود خارجی ندارند، در نتیجه شایع کرده اند که باید از ولی فقیه فرمان برداری کرد،، سؤال زیادی کردن هم موجب قطع دست و پااست می شود.

اینجاست که مذهبیهای افراطی از زاویه " نمیدانم چیست " و یا " الله و اعلم " به اعتقادات خود پوزه بند اسلامی می زنند. و به تمام سئوالاتی که جوابی منطقی برایش ندارند، میگویند که فقط الله می داند.

ناتوجه به اینکه جواب خیلی از سئوالات مجهول خود را نمی دانند و چون مرز بین ابهام را از واقعیت تشخیص نمیدهند، درنتیجه افسار خود را به دست روحانیون می سپارند. و روحانیت جواب همه این سئوالها را با وعده های بهشت و حوری بازی که باب دل همه این خرافه پرستان است، برایشان بخوبی توجیح میکنند.

آخوندها در مدت 28 سال حکومت ننگینشان در ایران مفهوم واقعی حکومت عدل الهی را بتمام دنیا نشان دادند ، و از طرفی چون حکومت ننگین روحانیون بارها در طول تاریخ شکست خورده ، در نهایت ملت‌های مسلمان در سرتاسر جهان هنوز هم که هنوزه، اندر خم یک کوچه اند و نمی دانند که راه زندگی توام با موفقیت کدام است .

کور دلان خرافه پرست بزور میخواهند برای هزارمین بار به خود بقبولانند که مسیر زندگی سالم و راه‌رهای از ذلت را فقط الله می‌داند، و طبق گفته تازینامه ، الله نیز به این سادگیها کسی را به راه راست هدایت نمی‌کند. بنا براین بایستی از دریچه نمی‌دانم و الله واعلم وارد شده، و کماکان با تمام جهالت همان مسلمان باقی بمانند!

از قرار معلوم محمد تازی هم نمی‌توانسته خرافات خود را به پاره‌ای از اعراب بقبولاند بنابراین ، از زبان الله می‌گفته که مسلمانان باید بدون شک و تردید و بدون چون و چرا خرافات من در آوردی او را باور و به آن اطاعت کنند ، و اگر بازهم نمی‌پذیرفتند، آنها را مرتد می‌نامید و مسلمانان دیگر را به قصد بریدن سر این بی‌گناهان روانه می‌ساخت ، همانگونه که امروزه در عراق و سایر کشورهای اسلام زده بارها دیده‌اید.

محمد تازی و یارانش پس از هر یورش و کشتاری اموال کشته شدگان را غارت و به زنان و دختران آنها تجاوز می‌کردند، چرا که محمد خودش نقد را به نسبه ترجیح میداد و در نتیجه نقدینه برای او بوده و نسبه برای احمق‌هاییکه بدنبال حوری در بهشت بوده‌اند.

**بگفته محمد: هر کس که جنگ نکرده باشد و یا اندیشه جنگیدن و کشتن**

**در مغز خود نداشته باشد، چنین آدمی با نفاق میمیرد!**

براستی چرا انسانها بجای کمک به یکدیگر بایستی به فکر کشتن هم باشند؟

ننگ بر همه شما دین فروشان سامی ، که تاریخ بشریت را آلوده بخون کرده‌اید.

## ب : نقش سنت در گسترش خرافات

منظور از سنت در بین اهل تسنن عبارت از تمام خرافاتی است که محمد ابن عبدالله در زمان حیات خود از قول الله پاریسی نقل کرده و یا به آنها عمل کرده و اکنون توسط پیروان او روایت می شود.

ولی در مورد شیعیان قضیه فقط به یادآوری فرامین و عملکردهای محمد تازی ختم نمی شود و پای دوازده امام دیگر هم بمیان کشیده شده است.

از سویی دیگر آخوندها و کارگردان های انتشار خرافه پردازی در طول 1400 سال گذشته ، به گفته های محمد و امامان هم اکتفا نکرده و موضوع را به قبل از تولد محمد تازی متصل کرده اند و در واقع حکم رسالت محمد را حتی قبل از الله برای ایشان صادر می نمایند .

شنیده اید که الله تازی ( یا همان سلمان پارسی ) ، محمد را در چهل سالگی به پیامبری بر گزید و قبل از آن تاریخ هیچ نام و نشانی از محمد ابن عبدالله و رسالت او وجود نداشته و در هیچ کجا ثبت نگردیده است ، ولی مسلمانان خرافه پرداز می گویند وقتی محمد به دنیا آمد، صدها اتفاق عجیب و غریب رخ داد و همانگونه که قبلا هم اشاره کردم ، ماه دو نیم شد! .... و تعداد زیادی چرندیات دیگر که فقط انسانهای ما قبل تاریخ و بعضی از ایرانیان مسخ شده می توانند به دنبال این یاوه گوئها باشند.

می گویند قریش از محمد برای اثبات پیامبری معجزه ای خواست و او آیه ای نازل کرد که میگفته: " **معجزه محمد آوردن انگور و انار از بهشت است** " ، که محمد را از سایر پیامبران متمایز می کند!

باز هم جای شکرش باقیست که محمد از بهشت حوری وارد نکرده و الا بشریت هرگز نمی توانست از دست این روسپیهای وارداتی الله خلاص شود ! گرچه امروزه خواهران زینب جای اسلام زده نیز دست کمی از آنها ندارند !

با نگاهی کوتاه به وقایع دوران محمد می بینیم که قریشیان در زمانی که محمد 35 ساله بوده ، کعبه را خراب می کنند و آنرا از نو می سازند و بعدها محمد بی اندازه مایل بوده که مسلمین به سوی مکه نماز بخوانند و از اورشلیم روی برگردانند بنابراین با نزول آیه ای خود را از سرزنش یهود که میگفتند خدایت خانه ندارد تا به سوی او نماز بگزاری ، نجات میدهد .

**آیه 139 سوره بقره :** ما می بینم که همیشه گردنت را بسوی آسمان کج کرده ای و بدنبال قبله می گردی، پس عنایت می کنیم ترا قبله ای که می خواستی .....  
این آیه 15 سال بعد از دریافت حکم رسالت بر محمد نازل می شود. بنا براین شما هیچ نگران نباشید اگر مناری دزدیده اید و قبلا برای مخفی کردنش چاهی نکنده اید.

ظاهرا در منش الله نیز مشکلات از قبل پیش بینی نمیشوند تا علاج حادثه قبل از وقوع انجام داده شود ! مسلمین برای مدت 15 سال بسوی اورشلیم نماز می خواندند و یهودیان حاضر نبوده اند که قبله گاه یهوه ( الله یهودیان ) را با الله محمد تازی شریک شوند ، در نتیجه پس از 15 سال تو سری و منت یهودیان و گردن کج کردنهای محمد بالاخره الله به این فکر می افتد که برای منار دزدی محمد چاهی فراهم کند.

و اما محمد در 25 سالگی با خدیجه، بیوه 40 ساله ثروتمند و دوست بسیار نزدیک سلمان پارسی و بنا به پیشنهاد و خواسته سلمان ازدواج می کند و پرداخت مهریه و یا همان صدقه خرید زن و مرسوم بین اعراب آنزمان را هم خود خدیجه متقبل می شود:

بنا براین ، مهریه یکی از سنتهای برده فروشی و یا معامله زنان در بین اعراب بوده هیچ ربطی به اسلام ندارد چون در این زمان محمد هنوز ادعای پیامبری نکرده بود و اسلامی هم در کار نبوده !!!!!

( درباره روابط و دوستی سلمان پارسی با خدیجه ، بزودی گزارش کاملی بخت یاران ارائه خواهیم داد. )

و اما محمد در مسیر ازدواجهای متعدد خودش روزی عروس خودش زینب ، همسر پسر خوانده اش زید را بطور اتفاقی برهنه می می بیند و خلاصه با حيله و فریب زینب را از دست زید بدر می آورد . در مورد ازدواج محمد با زن پسر خوانده اش مطالبی گفته می شود که محمد را خوش نیامده، پس به سراغ الله می رود و آیه ای بشرح زیر نازل می فرماید تا دهان دشمنان اسلام را ببندد:

**سوره 33 آیه 37:** همینکه زید از خیر زنش گذشت ، ما با او ازدواج کردیم تا باکی بر مومنان نباشد که با زن پسر خوانده خودشان ازدواج کنند....

هم وطنم ، اگر که هنوز مدافع شرافت ملی خود هستید، پیش از اینکه آخوندها همه زنان و دختران ایران را به فساد کامل بکشند ، بپا خیزید تا به دور از تعصب کور کورانه بار دیگر در آنچه که سینه به سینه و بنام سنت به ما تحمیل شده باز نگری کنیم که راه نجات میهن عزیزمان را با پی بردن به اشتباهات گذشتگان خواهیم یافت.

## **ج : ریشه و پیدایش کلمه اجتهاد در خرافات**

فرقه حلیون ، یا اجداد همین شیعیان امروز ایرانی نما پیامبر دیگری داشته اند بنام علامه حلی، که بنیانگذار شیعه امروزی و بانی اصلی خرافات مذهبی امروزه در ایران است . او در سال ( 684 ) هجری در عراق تولد یافت و در دربار سلطان محمد خدابنده زندگی می کرده ، و او بود که سلطان را اغفال و راضی به پذیرش مذهب شیعه کرد .

یکی از شایعترین نکات نزد شیعیان کلمات اجتهاد و مجتهد است که در قرن هفتم وارد شیعه شده و جای تردید نیست که این کلمات در هیچیک از سخنان به جای مانده از محمد و حتی امامان شیعه به کار نرفته. اجتهاد و مجتهد در بین شیعیان چیزی جز دکان حکومت مداری نبوده و تاریخ نشان داده که دست این مجتهدین همواره آلوده بخون بی گناهان جامعه بوده است.

نا گفته نماند که دلیل فرقه حلیون از پیدایش واژه مجتهد، ذکر واژه فتوی در یکی از سخنان امام محمد باقر یا امام جعفر صادق است که گفته بوده " از فتوی بترسید ! "

همینجا بود که علامه حلی در می یابد که ایرانیان به مجتهدی نیاز دارند که همواره آنها را از فتوای بترساند !!! در حالی که حنیفیان به بنیانگذاری (ابو حنیفه) و حنبلیان (احمد ابن حنبل) و مالکیان (مالک ابن انس) و شافعیان (داود ابن علی ظاهری)، که همگی از اصلی ترین فرقه های اهل تسنن هستند، اجتهاد را نوعی شرک و بدعت در اسلام می دانند و هنوز عده ای ناآگاه در ایران به دنبال عقب مانده ترین انسانهای روی کره زمین، الله اکبر گویان و همچون درندگان وحشی به دنبال فتوایی یک آخوند برای ترور انسانها میگردند.

## د : نقش عقل در ارکان دین

دقیقا معلوم نیست که چه کسی عقل را با سایر ارکان دین مخلوط کرده ، ولی هر کس از عقلش استفاده کند فاتحه ارکان دین را خواهد خواند در واقع عقل نقطه مقابل هجویات مندرج در قرآن و سنت است .

انسان غریزه ای دارد به نام کنجکاوی یا جستجوگری حقایق که با عقل و درایت انسانها عمل می کند . یعنی اگر کسی به چیزی شک کند، در آن موضوع کاوش می کند و اگر در مفهومی تحقیق کند، یقینا آنرا تکمیل تر میکند.

برای همین است که روحانیون می گویند در هر موضوعی میتوان شک کرد مگر در دین ، چون در دین هدف یقین است و ایمان آنوقت ایمان است که توام با یقین باشد. پس شک کردن در دین از نظر روحانیت کار خوبی نیست چرا که با شک کردن در دین انسان به حقیقت می رسد و دکان دین فروشان بسته می شود.

تازی نامه می گوید "لا تجسس فی الدین" به عبارتی شک در دین حرام است. بنابراین ، عقل در دین مزاحم است چون ایحاد شک می کند و در هیچ جای تازینامه نمی بینید که مردم را به شک و بررسی دعوت کنند ، همه جا دعوت به ایمان است.

محمد تازی همیشه می گوید که به دنبال من بیایید تا از هر چه شک است خلاص شوید مگر شک در تعداد رکعت خوانده شده در نماز که آنهم از اجماع آقایان سر درآورده و بدعتی از سوی شیعیان حلی گرا در دین ناب محمدی است.

و اما در اسلام یک شک مجاز داریم که به آن شک مقدس میگویند و مفهوم آن این است که اگر پدر و مادرت گفتند به راه اسلام برو ، تو باید شک کنی و اگر در جمهوری آخوندها زندگی میکنی ، واجب است که آنها را لو بدهی تا بدست جلادان سپرده شوند.

روحانیت و دین فروشان عقل انسان را ناقص میدانند و در نتیجه عقل انسان را به چند شاخه تقسیم میکنند تا نهایتا بگویند سرچشمه عقل انسان فقط الله است و نماینده قانونی الله هم محمد است.

به عبارتی دیگر ، مسلمین در بیان موهوماتی که ساخته اند، شیوه کاملا یکنواختی دارند و تکمیل کننده این چرندیات نهایتا ملا صدرا است که می گوید بین عقل و عاقل و معقول اتحادیست که برپایه فرضیه حرکت جوهری، به سوی معبود میشتابند. از این حرکت‌های جوهری به تفسیر ملا صدرا متوجه می شویم ، که اگر عقلی در کار است ، باید در راه ترور و تروریست پروری بکار گرفته شود، نه اینکه در راه سازندگی و خدمت به بشریت .

امیدارم که همه خرافه پرستان برای یکبار هم که شده ، به عقل خود مراجعه کنند و یوغ استحمار 1400 ساله را از گرده خویش بردارند که ملتهای پیشرفته دنیا در صد تسخیر کهکشانشانها ، و ما ملت فرهنگ باخته ایران با 7000 سال تاریخ مدون هنوز اندر

خم کوچه های کربلا و مدینه گیر کرده ایم و تنها دلخوشی ما این ست که در طول 1400 سال گذشته هنوز از بین نرفته و نسلمان منقرض نشده است.

**ننگ بر تو ایرانی نما ئیکه خود را بخواب زده ای.**

از قدیم گفته اند : انسانی را که بخواب غفلت فرو رفته باشد ، با یک تلنگر می شود بیدارش کرد ، ولی بیدار کردن انسان احمقی که خود را بخواب زده باشد، کار آسانی نیست.

حافظ بزرگوار می گوید:

بیابه میکده و چهره ارغوانی کن      مرو به صومعه که آنجا سیاه کارانند

آیا 1425 سال پیروی از سیاهکاران صومعه تو را کافی نیست ؟

آن کس که نداند که نداند که نداند	در جهل مرکب ابد الدهر بماند
آن کس که بداند که نداند که نداند	بار گنه اش تا جهنم بکشاند
آن کس که بداند که بداند که نداند	سر حد ره خویش بعالم بنماند
آن کس که بداند که بداند که بداند	راه خرد خویش بپایان برساند

پاینده ایران - پایدار و سرافراز باد ملت ایران

نوشیروان - سرو آزاده

چهارشنبه، 22/09/2004